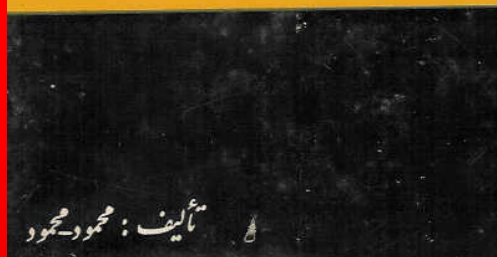
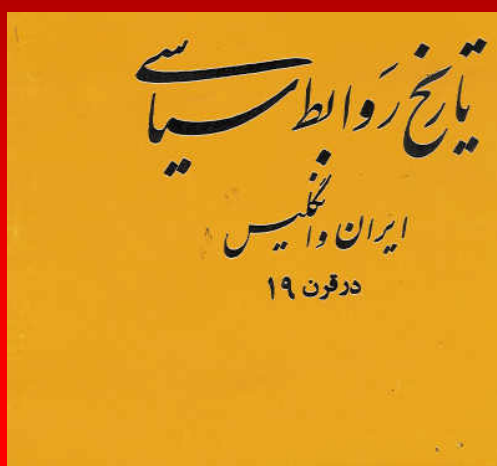


۲۷۴

محمود محمود : اثرات شوم قرارداد ۱۹۰۷ در ایران

به نقل از :



تألیف : محمود محمود

جلد هشتم - چاپ چهارم

حق چاپ محفوظ.

از انتشارات :

شرکت نسبی اقبال و شرکاء





فصل نود و سوم

اثرات شوم قرارداد ۱۹۰۷ در ایران

فایده قرارداد ۱۹۰۷ فقط برای دولت انگلیس بود - دولتی که صدمه دید دولت و ملت ایران بود - ظهور مشروطه در ایران با بروز ذلت و بدبختی برای ملت توأم بود - عده بسیار قلیلی برای برقراری مشروطه جدیت میکردند - از ضعف شاه و دولت استفاده شد - بست نشستن در سفارت انگلیس - تیره روزی ایران شروع میشود - اشاره بدوره ناصری - دوره مظفّری - سوانح این ایام - اتابک در دستگاه مظفرالدین شاه عامل مهم بود - مشروطه ایران و دولت انگلیس - ادوار تعدی و تجاوز دولّین روس و انگلیس - شرح این مصائب - حسن نیت ملت ایران نسبت بانگلیسها - اشاره بمجلس اول - نقل از شماره ۲۵ روزنامه «کاو» چاپ برلن - کارهای برجسته مجلس اول - نقل از شماره ۳۶ روزنامه «کاو» - مجلس اول چگونه خاتمه یافت - سوانح این ایام - افتتاح مجلس دوم - کارهای مجلس دوم - استخدام مستشاران خارجی - اشاره بقرض ۵ کرویر تومان و جریان آن - شرایط قرض فوق - پیشنهاد روس و انگلیس - رد این پیشنهاد از طرف ایران - صحبت قرض از سندیکای بین المللی - تهدید روس و انگلیس برای انجام این قرض -



-۲۰۸-

دنباله آن - وقایع ناگوار این ایام - تهدیدات روس و انگلیس بدولت ایران - اشاره بموضوع آلمان و ایران - دسایس روس و انگلیس در داخله ایران - گرفتاری های مجلس ودولت ایران که روس و انگلیس ایجاد میکردند - عظیم ترین ضربت دولتمن با استقلال ایران - جریان آن - اقدامات روس و انگلیس برای اخراج شوستر امریکائی مستشار مالی ایران - اشاره باصطلاحات مجلس دوم - مجلس دوم چگونه خاتمه یافت - نقل از روزنامه «کاو» - سیاست وحشیانه روس و انگلیس در این ایام - قتل عام تبریز ورشت - توپ بستن گنبد حضرت رضا (ع) - تهید آزادی طلبان - تحصیل جمهوری روس و انگلیس امتیازات وتعهدات دولت وملت ایران قریب به سه سال گرفتار زجر وشکنجه روس و انگلیس بود - گوشش ملت ایران برای افتتاح مجلس سوم - عمر مجلس سوم - جریان امور در این ایام - دخالت روس و انگلیس در کلیه امور ایران - تأیینه میرزا حسن خان مشیرالدوله - اقدامات روس و انگلیس برای عزل مشیرالدوله - روس و انگلیس سعدالدوله را برای تشکیل دولت ایران پیشنهاد میکنند - دنباله این جریان - روس و انگلیس با قزاقخانه و عمال دولتمن برای بهیم زدن مجلس سوم اقدام میکنند - قوای ملی ایران در مقابل مفسدین مقاومت میکنند - از تشکیل دولت بریاست سعدالدوله جلوگیری میشود - عین الدوله برای تشکیل دولت معین میشود - مجلس سوم با مهاجرت ملیون خاتمه یافت - بمرور از عده با ایمان و وطن دوست کاسته میشود - اشاره بانقلاب روسیه و اثرات آن در ایران - دولت شوروی امتیازات و تعهدات دولت تزاری را با ایران تماماً لغو کرده بدولت ایران واگذار میکند - اشاره بمجلس چهارم - عناصری که بعنوان وکیل ملت در مجلس چهارم حضور یافتند - اثرات اعمال آنها در کارهای مجلس های اول ، دوم وسوم - آوردن مشروطه بایران مقدمه ضعف وزوال ملت ایران بود - مشروطه در ایران چه نکرد - ایجاد ناامنی و اغتشاش - اشاره بقرارداد ۱۹۰۷ - قرارداد زمینه را برای دخالت روس و انگلیس در ایران بهتر فراهم نمود - انگلیس بعد از امضای قرارداد با مشروطه و مشروطه طلب همراه نبود - مارلینک وهارتویک - تهدید این دونفر - محمدعلیشاه -



- ۳۰۹ -

نمایندگان روس و انگلیس مجلس را تهدید میکنند - اشاره به نقشه تاریخی انگلیس نسبت به سلسله قاجار - توپ بستن مجلس - قیام مشروطه - طلبان علیه محمد علی شاه - خلع محمد علی شاه - مجلس دوم تشکیل میشود - عضدالملک بنیابت سلطنت انتخاب میشود - سوانح این ایام - مجلس دوم از بهترین رجال ایران تشکیل شده بود - یگانه مانع پیشرفت کار مجلس عمال فتنه انگیز روس و انگلیس بود - اشاره به درجات شماره ۴۶ روزنامه «کاوه» راجع به مظالم انگلیس - روسها در ایران آلت دست انگلیسها بودند - اشاره به مستشاران امریکائی - اختیار مالی را از دولت ایران گرفتند - یادداشت دولت انگلیس بایران - این یادداشت حکم اولتیماتوم را داشت - دولت انگلیس ایران را تهدید میکند مقدمه تشکیل پلیس جنوب - جواب اولتیماتوم انگلیس - حسینقلی خان نواب و اقدام دولت انگلیس - قتل های این ایام که واقع شد - مراجعت محمد علی میرزا - شکست محمد علی میرزا و دخالت روس و انگلیس در این واقعه - شوستر مستشار مالی امریکائی - اقدامات شوستر - سوانح این ایام - دسایس عمال روس و انگلیس علیه شوستر - اولتیماتوم ۲۹ نوامبر ۱۹۱۱ - اخراج شوستر - ظلم و ستم روس و انگلیس در این ایام نسبت بایران از حد گذشت - عملیات وحشیانه روسها در این سال - اشاره بناصرالملک نایب السلطنه ایران در این تاریخ .

فوائد معاهده ۱۹۰۷ فقط برای دولت انگلیس بود که برای بدست آوردن آن متجاوز از ده سال متحمل رنج و زحمت شده بود .

کوشش های دولت فرانسه هم که برای انجام این قرارداد بکدر رفتند بود برای کشیدن انتقام از دولت آلمان بود فقط دولتی که در این میان صدمه دید - رنج کشید - خسارت دید و دوچار انواع بدبختی و فلاکت گردید ملت ایران بود که بدست درخیمان تساری با صوابدید و اشاره دولت انگلیس وارد آمد .

بسیاری با ایجاد مشروطه در ایران بدین بودند ظهور آنرا در ایران با بروز



-۲۱۰-

بدبختی برای ملت ایران توأم می‌دانستند. (۱)

ملتی که هیچ آشنائی با اصول حکومت مشروطه ندارد حتی حکومت قانونی میان آن ملت برقرار نبوده چگونه يك عده بسیار قلیلی با القای بیگانه که همیشه برای ضعف و زوال ایران می‌کوشید ، خواهان برقراری حکومت مردم در ایران می‌شوند .

با جنرو جنجال و بستن بازار و ریختن مردمان فقیر و تنگدست و بیکار و سفارت اجنبی که بهر يك در روز دو قران نقره داده می‌شد ، از يك پادشاه فرسوده ، علیل و مشرف بموت ، فرمان برقراری حکومت مشروطه را بدست

بدبختی ملت ایران از همان روز شروع گردید که ملت از همه جا بی‌خبر را بقبول این نوع حکومت واداشتند .

ناصرالدین شاه در سالیهای اخیر سلطنت خود مرد مجربی شده بود کشور ایران ب می‌شناخت و خوب اداره می‌کرد ، دیگر این ایام آلت دست اجانب نبود . دولت انگلیس هم بکلی از او مأیوس شده بود دیگر نمی‌توانستند از او کنند چونکه شاه بدسایس آنها واقف شده بود و تلقینات آن دولت در او دیگر نداشت .

در این صورت بودن چنین پادشاهی برای کشور ایران در این تاریخ لزومی این بود فتنه‌جویان جهان سید جمال الدین اسدآبادی را محرك شدند تا وسیله هرا فراهم نمود و شاه بدست میرزا رضای کرمانی بقتل رسید .

حال نوبت باتاباک رسیده بود او نیز مانند شاه مقصر بود و باید کیفر ببیند . در اوایل سلطنت مظفرالدین شاه از ما بهتران باعث عزل او شدند ولی تحصن قم موقتاً او را از مرگ نجات داد اگر طبیب سفارت انگلیس را همراه برده بود تلف می‌شد ولی تقاضای وزیر مختار انگلیس را قبول نکرد که طبیب سفارت ن همراه او بقم برود .

(۱) به فصل ۸۹ مراجعه شود .



-۲۱۱-

اتابك مدتی در قم متحصن بود تا دوباره دعوت شد بطهران بیاید و به مقام صدارت برسد .

صدارت اتابك این بار قریب پنج سال طول کشید در عرض این سالها دوقره قرض از روسها گرفت و دوبار همراه شاه باروپا رفت ، قرار داد گمرکی با روس و انگلیس بست اینها از مهمترین کارهای اتابك در این مدت بود .^(۱)

اتابك دشمنان خارجی و مدعیان سرسخت داخلی داشت خود را مجبور دید از صدارت ایران دست بردارد . در سال ۱۳۲۱ هجری قمری مطابق سال ۱۹۰۳ میلادی از ایران خارج شد .

اگرچه دوسه سالی هم چرخهای دربار و حکومت با دست عین الدوله چرخید ولی این چرخیدن شبیه بچرخیدن آن دستگاهی است که پس از برداشتن دست استادماهر از روی آن دستگاه چندی می چرخید ، کند و آهسته ، بعد از کار می افتد ، دولت ایران هم بعد از اتابك درست همین حال را داشت یواش یواش از کار افتاد و با ظهور مشروطه بکلی فلج شد .

من چنین پندارم تحریک ایرانیان برای مشروطه خواستن جزو نقشه بوده برای عملی نمودن قرارداد ۱۹۰۷ ، اگر این تحریکات صورت نمی گرفت و از نفوذ دولت مرکزی ایران کاسته نمی شد ، مردم بطرف انگلیسها نمی گرویدند انگلیسها دارای نفوذ نمی شدند و ملت ایران را بداشتن حکومت مشروطه تحریک و تشویق نمی کردند . همینکه قرارداد منحوس بامضای نمایندگان طرفین رسید دولت انگلیس دیگر آن دولت نبود که خود را بطرفداری ایران و هواخواه مشروطه ایران معرفی کرده بود .

دولت انگلیس نه تنها خود یکی از مخالفین مشروطه ایران شد بلکه دست روسها را هم در ایران آزاد گذاشت هر نوع فتنه و فساد که می خواستند برپا کنند . پس از این قرارداد تا زوال دولت تساری که قریب ده سال طول کشید باید این

(۱) شرح مفصل این داستان در جلد ششم از فصل هفتاد و نهم تا آخر فصل هشتاد و یکم آمده است .



- ۱۲ -

سالها را در دوره تعدی و تجاوز دولتین روس و انگلیس در ایران نامید .
با اعلان مشروطه دولت ایران بی اقتدار گشت دیگر نفوذی در میان ملت
نداشت در حقیقت جری هزار افسوس است که در آن روزها هیچ اقدام رسمی و جدی
و اعتراض مؤثری علیه قرارداد نشد نه در مجلس و نه از طرف دولت ایران هیچ يك
بعآوری جدی به قرارداد ۱۹۰۷ مبرزه نکردند .^(۱)

اما مولی نکشید که ثمرات تلخ این شجره خبیثه را چشیدند ، ملت ایران در اثر
این قرارداد بدسخت ترین شکنجه های طاقت فرسا گرفتار آمد و اینقدر زمانی نگذشت
که همان و کلا دانستند گرفتار چه مصائبی شده اند و تمام این آوازاها چنانکه در چند فصل
گذشته اخیر شرح آنرا دادم از طرف انگلیسها بود . برای وارد آوردن آن صدمات که
غالباً بدست عمان روسها بموقع اجرا گذاشته میشد قبلاً دولت انگلیس نظر موافق با آن
عملیات وحشیانه ابراز داشته بود منتبهی طوری با مهارت و استادی این صدمات را بر
ملت ایران وارد میآوردند که ملت بلادیده ایران نمیتوانست تمیز بدهد که همه صدمات
از جانب آن دولت پرمکرو حیله یعنی دولت انگلیس است . با همه این احوال باز ملت
ایران در مقابل این مصائب و شدائد ، ظلم و ستم ، تعدی و تجاوز که بعد از انعقاد قرارداد
۱۹۰۷ وارد میآمد برای جلوگیری از این صدمات بدولت انگلیس متوسل میشد و از
آن دولت محیل چاره مصائب خود را خواستار میشد . حسن نیت را مشاهده کنید در
ملت ایران تا چه پایه بوده .

من اینك صدمات و مصائبی که از این قرارداد منجوس ۱۹۰۷ بایران وارد آمد
شرح میدهم . مدارك این سوانح کتب ذیل است :

(۱) مشیرالملک فرزند میرزا نصرالله خان مشیرالدوله مأمور شد بدربار های پترزبورغ
و لندن با چند نفر برای این کار بروند .
مرحوم عبدالله مستوفی در جلد دوم کتاب خود این داستان را مینویسد و خود نیز همراه
بوده و در بعضی صفحات هم باین مأموریت اشاره می کند ولی چه مذاکره شده یا در مراجعت
چه گزارشی داده از آن اسم نمی برد صفحات ۲۵۳ و ۲۷۳ و ۳۶۸ جلد دوم مراجعه شود .



-۲۱۳-

انقلاب ایران تألیف ادوارد برتون - اختناق ایران تألیف شوستر امریکائی
خزانہ دارا ایران - کتاب کشف تلبیس که در چاپخانه کاوه در برلن بطبع رسیده - روزنامه
مجلس دوره اول - حبیل المین یومیہ کہ در همان اوقات در تهران منتشر میشد - کتاب موسوم بہ
مہامدہ ۱۹۰۷ تألیف راجرز پلات چرچیل امریکائی - کتاب کارلتون ہایس (۱) موسوم
بتاریخ سیاسی واجتماعی اروپای کنونی . ویکندہ مدارک دیگر کہ در ضمن شرح تاریخ
اشارہ خواہد شد .

مشروطہ ایران و قرارداد ۱۹۰۷ در واقع دنبال یکدیگر بفاصله بسیار کمی در
ایران اعلان شد این مشروطہ بسعی و کوشش یک عدہ قلیلی گرفته شد محرک عمدہ این
پیش آمد یک دولت اروپائی بود کہ از ضعف شاہ استفادہ نمودہ درہای سفارت خود را
در تهران بروی مردم عوام باز نمود و آنہارا بدرون سفارت دعوت کرد . دستگاہ سور
در آنجا علم شد در عرض چند روز در همان مکان کلمہ مشروطہ بآنها تلقین شد . هنوز
ہم درست معلوم نشدہ این کلمہ را چہ کسی در آن ہنگامہ وضع نمودہ است .

در ہر حال ہر چہ بود وعقیدہ ہر کس بود طرفداران جدی و باایمان پیدا کرد بخصوص
باکلمات و عبارات شیرین نیز مانند آزادی - برادری - برابری - قانون مساوات - عدل
وانصاف ادامیشد وبسامعہ ملت ایران کہ قرنہا تحت حکومت استبدادی امرار حیات
کرده بود میرسید البتہ بسیار خوش آیند بود در نتیجہ از میان ہر طبقہ مخصوص ایرانی
یک عدہ مردان باایمان ، درست کار و وطن دوست باین نواہا مفتون شدند کور کورانہ
مال و جان خود را از دست دادند .

در مجلس اول عدہ مردان باایمان جدی و وطن دوست برای وکالت انتخاب
شدند این عدہ وکالت را وظیفہ وجدانی و خدمت بوطن و ملت میدانستند .

با اینکہ اکثر آنها عوام بودند کارہای بسیار نیکی انجام دادند اثرات آنها در
تاریخ ایران زوال ناپذیر است . در شمارہ ۲۵ کاوہ چاپ برلن بتاریخ سوم جمادی الاول
۱۳۳۶ ہجری قمری مطابق با ۱۵ فوریه ۱۹۱۸ راجع بمجلس اول مینکارد :

(1) A political And Social History of Modern Europe . By
Carlton Hayes . 2vols .



-۲۱۴-

«مجلس ملی اول (۱۷ شعبان ۱۳۲۴ تا ۲۳ جمادی اول ۱۳۲۶) که مادر مشروطیت ایران بود نه تنها مجلس ملی بلکه مجلس اساسی توانش ناامید بزرگترین و بهترین و پرشورترین و کاری‌ترین مجلس ایران بود .
این مجلس علاوه بر قانون‌گذاری تکالیف عظیمی بشمار می‌داشت که در تاریخ شرق برعهده هیچ مجمعی محول نشده است ... از ابتدا قوت و قدرت آن صرف شناساندن خود شد بدولت و تحصیل حقوق لازمه برای خود.
دولت این مجلس را با کمال بی‌اعتنائی و بعنوان يك عدالتخانه میپذیرفت لکن صدای مهیب و شورانگیز و کلالی ملت بزودی دولت را از اشتباه بیرون آورد و قسمت اول قانونی اساسی که مشتمل بر ۵۱ اصل است در چهاردهم ذی‌قعدة ۱۳۲۴ با امضای شاه و ولیعهد رسید ... تبعید و اخراج متنفذین و ملوک الطوائف در ولایات مختلفه و کندن ریشه ظلام روز بروز مداومت داشت ولی هر کدام بایک زحمات فوق‌العاده و اغلب بایک انقلاب کوچک ، عزل کامران میرزا عمو و پدر زن محمد علی شاه از وزارت جنگ ، برانداختن حاج آقا محسن ملاک و ملای بزرگ از عراق ، سردار منصور و حاج خمایی از رشت ، سپهدار از تنکابن ، قوام‌الملک از شیراز ، ظل‌السلطان از اصفهان ، میرزا حسن مجتهد و حجت میرزا کریم امام جمعه از تبریز ، آصف‌الدوله از خراسان ، حشمت‌الملک از قزوین ، عزل لیاخوف روسی از ریاست ایل شاهسون بغدادی ، دنبال کردن مسئله فروش اسراء بترکمن‌ها و حبس سالار معظم بجنوردی . حبس رحیمخان چلبی‌نلو . مقهور کردن علمای مستبد تهران که هرچند اسباب يك انقلابی میشدند و جنگیدن با دسایس متوالیه شاه و مستبدین از جمله امور جاریه مجلس بود با آنکه هر کدام از آنها يك تاریخی است ...

مجلس ملی انجمن تحقیقی باسم انجمن مالیه مأمور اصلاح جمع و خرج کرد و این انجمن که مرکب از دوازده نفر بود در هفت هشت ماه کار دایمی بدون راحت ۲۱ کروونیم تومان خرج دولت را جرح و تعدیل کرد و ۱۵ کروونیم عایدات دولت را مبالغی تزیید کرد بطوریکه هشت کروون تومان تفاوت معامله شد ...
در شماره ۲۶ کوه بتاریخ غره جمادی‌الآخر همانسال باز در باره مجلس اول ایران



-۲۱۵-

مینویسد :

«این مجاهدات که نتایج عظیمه منفی، یا مثبت آن اساس اجتماعی و سیاسی ایران را زیر و رو کرد تنها اعمال مجلس اول نبود آن مجلس بزرگ تاریخی که شب و روز اوقاتش با جنگ برضد قوای تاریک ظلم و ظلمت مشغول بود باز در عین اشغال خود بمجاهدات فوق العاده مقدار زیادی از قوانین اساسی و مدنی وضع و تصویب کرد که بمجلس ملی دوم و سوم با فراغت بالنسبه بیشتر شاید بمجلس اول کامیاب نشدند...»

نویسنده کوه در این شماره فهرستی از عملیات مجلس اول را مینویسد حقیقتاً اسباب حیرت است در عرض دو سال بامخالفتهای جدی ومؤثر شاه و درباریان و دولت ظالم و جابر تزاری این همه کارهای اساسی صورت دادند هرگاه دولت سفاک تزاری و مأمورین بی رحم آن مانند کنسول و وزیر مختار روس و صاحب منصبان قزاقخانه که در رأس آن لیاخوف قرار گرفته بود مانع نمیشدند ملت ایران بشاهراه ترقی افتاده بود و گوئیم خود را در این گیرودار از آب بیرون میکشید یعنی طرز کار و عمل بعد از قرارداد ۱۹۰۷ این بود و جز این نمیتوانست بشود مجلس اول با این جدیت و پشت کار و شهامت و فداکاری که روح آن يك عده بسیار قلیلی مردان از جان گذشته بود در ۲۳ جمادی الاول ۱۳۲۶ هجری قمری در اثر گلوله باران نمودن آن و توپ بستن بوسیله قزاقهای تزاری ایران و ایران گردید و آن عده قلیل هم فراری و پراکنده شدند .

چه کسی میتواند انکار کند که این عمل جابرانه و ظالمانه از اثر شوم قرارداد منجوس

۱۹۰۷ نبود ؟

این عده قلیل با ایمان پس از آوارگی و در بدری متجاوز از یکسال شب و روز کوشیدند تا نتوانستند محمد علیشاه را خلع کنند و پسر او سلطان احمد میرزا را بجای او بنشانند و مجلس دوم را افتتاح کنند. مجلس دوم در دوم ماه ذی قعدة ۱۳۲۷ هجری قمری مفتوح گردید در این مجلس با همان عده قلیل و چند نفر دیگر با ایمان با آنها علاوه شده بود و در این مجلس حضور داشتند و کارهای بزرگ و مهم انجام دادند مهم تر از همه آنها اعدام - حبس - تبعید و جریمه طرفداران محمد علیشاه بود .

باز در شماره ۲۸ مجله کوه بتاريخ ۳ رجب ۱۳۳۶ هجری قمری مطابق ۲۵ ماه



-۲۱۶-

آوریل ۱۹۱۸ میلادی مینویسد :

«مجلس شورای ملی دوم در ابتدا از يك طرف دچار يك سلسله اشکالات خارجی از بدترین اقسام آن بود (از اثرات شوم معاهده ۱۹۰۷) و از طرف دیگر مبتلای بحران مالی و تنگدستی فوق العاده بود که آن نیز از سخت گیری های دول خارجی بد پیش آمد این مجلس در باریکترین موقع تاریخی ایران و خطرناکترین بحرانات مملکتی و خوفناکترین زمانی واقع شده بود هیچ مجلس در ایران و بلکه هیچ مجلس در دنیا بجز مجلس مالی لهستان در سنه ۱۱۸۰ این قدر موقع مشکل و باریک و هولناک نداشته حتی مجلس مالی سوم نیز که در زمان جنگ دنیا گیر افتتاح یافت در گرداب چنین هائل واقع نشده و این قدر بر قضا و قدر نبود.

این مجلس که شاید هم از حیث اجزای تربیت شده و عالم پر مایه ترین مجالس ملی ما بود در زیر تند باد حوادث خارجی و تهدیدات متولد شده در زیر یادداشت های جانستان و دیپاس گوناگون خارجی بسربرد و در زیر صاعقه های اتمام حجت ها (اولتیماتوم) در گذشت .

دولت روس خلع محمد علی شاه را که ضربتی بر نفوذ و عظمت خود تصور میکرد نمیتوانست هضم کند و بدین جهت دولت جدید در هر قدم مصادف شد با يك سلسله تحریکات و اغتشاشات عظیمه که طغیان رحیم خان قراجه داغی و عشایر شاهسون ، عودت شاه مخلوع و طغیان تراکم و یاغیگری و افساد داراب میرزا از جمله آن اسباب چینی ها بود.»

تمام این تحریکات و ایجاد موانع در راه ترقی ملت ایران همانا در نتیجه اثرات شوم قرارداد ۱۹۰۷ بود در ابتدای کار مجلس خواست استقراضی از خارج بکند دولتی روس و انگلیس شرایط آنرا پیشنهاد کردند «که مخل استقلال سیاسی و اقتصادی بود» از خارج خواستند این قرض را انجام دهند مانع شدند از فرانسه و ایتالی مستشار مالی و قره سورانی استخدام کنند و دو دولت مذکور بواسطه تحریک روس و انگلیس امتناع کردند با اینحال ملیون ایران مأیوس نشدند و مستشار مالی را از آمریکا و صاحب منصبان ژاندارمری را از سوئد استخدام نمودند .

مستشاران مالی از آمریکا وارد شدند با اختیارات کلی داخل کار گشتند.



-۲۱۷-

اصلاحات اساسی مالی شروع گردید امید میرفت امور مالی ایران سر و صورت حسابی بگیرد اما دودولت معظم شمالی و جنوبی (روس و انگلیس) مایل نبودند مشاهده کنند ایران در راه اصلاحات اساسی قدم برمیدارد بجدیت خود افزودند آن یث شده قلیلی راکه برای احیای ایران میکوشیدند از بین ببرند .

روزنامه کاوه در شماره ۱۷ مینویسد : « بزرگترین گزارش مجلس ملی دوم مبارزه

بافشارهای خارجی بود .

ابتدا در ۲۹ ذیقعد ۱۳۲۷ دولت بتصویب مجلس قرضی بمبلغ ۵۰۰۰۰۰۰۰ تومان از روس و انگلیس خواست در ۵ صفر ۱۳۲۸ آن دو دولت جواب دادند که حاضرند فقط چهار صد هزار لیره انگلیسی بدولت ایران قرض بدهند بشرایط ذیل : صورت مخارج بتصویب دولت برسد و خرج آن در تحت نظارت هیأتی باشد مرکب از دو نفر فرنگی و چهار نفر ایرانی ، هفت نفر فرانسوی برای اداره امور مالیه استخدام شود با اختیارات اجرائیه ، يك قوه نظامی در زیر اداره صاحب منصبان خارجه تشکیل شود و استخدام صاحب منصبان مزبور بتصویب دو دولت باشد ، امتیاز راه آهن بهیچ کس از خارجه و اتباع داخله که سرمایه خارجی در کار آنها ذخیل باشد داده نشود مگر آنکه حق تقدم بدولت روس و انگلیس داده شود ، امتیاز کشتی رانی دریاچه ارومیه بروسها داده شود علاوه بر گمرکات ، ضرابخانه هم گرو تأدیة اقساط این قرض کوچک باشد .

این شرایط چنانکه واضح است از طرف مجلس قبول نشده و در این اثنا دولت با يك اتحادیه (سندیکای بین المللی) برای استقراض بانصد هزار لیره انگلیسی بضمانت و اعتبار عایدات ضرابخانه و عایدات معدن نفت و غیره مذاکرات کرد و این فقره باعث آن شد که بتاريخ سوم ربیع الاول ۱۳۲۸ روس و انگلیس یادداشتی بدولت ایران دادند و دولت را تهدید کرده و گفتند که وی حق ندارد هیچ منبع مالیاتی خود را در مقابل هیچ قرضی بضمانت گذاشته و محل تأدیة آن قرار دهد دولت ایران در ۸ ربیع الاول ۱۳۲۸ این تکلیف دودولت را رد کرده و گفت که دولت خود را در منابع مالیاتی که گرو قروض سابق نیست آزاد میداند .

این فقره باعث برآشفتن آن دودولت گردید و موجب فرستادن یادداشت های مشهور



۲۱۸-

۲۶ ربيع الاول و ۱۰ جمادی اولی ۱۳۳۸ گردید که بزرگترین ضربت ها با استقلال ایران بود. با دداشت دزبور در ضمن آنکه بشرایط چندی بایران آزادی استقرارش از خارجه میباشید دادن هر نوع امتیاز را بخارجه که با مذافع سیاسی یا نظامی آن دولات منافی باشد بدولت ایران نمیکرد.

این دست و پاچگی انگلیس و روس و ت جهت خارجی دیگر هم داشت و آن این بود که در ماه ربيع الاول سال (۱۳۳۸) مدت تعهدنامه ایران بروس در باب ندادن امتیاز راه آهن بخارجه منقضی میشد و از آن طرف مسافرت سیدروت نماینده بانک شرقی آلمان بتهران امباب ترلز خاطر آن دولات گردیده بود و این مسافرت را مربوط به بعضی خیالات از قبیل تنصیل امتیاز راه آهن خانبین و تهران میدانستند.

در این اثنا اشکالات و تحریکات دایمی خارجی منقطع نمود : بنادادن روسها رحیم خان غارتگر مشهور را بعد از آنکه زحمت و قشون کشی دولت ایران در خاک خود، باغی گری داراب میرزا صاحب منصب روس در اردوی روس در قزوین و علم بلند کردن او بپرا خراهی شاه مخلوع و آشوب وی در زنجان، تمام حجت تهدید آمیز انگلیس در دسم شوال ۱۳۳۸، عودت دادن روسها محمد علی میرزا را بایران و اغتشاش عظیم در تمام ایران و چندین اشکالات عظیمه دیگر که پی در پی حادث میشد دایماً اوقات مجلس و ملت را مشغول میداشت و فرصت کار نمیداد. بالاخره کاسه زجر و آزار به حادثه شومتر امریکائی لبریز شد و عظیم ترین ضربت با استقلال و آزادی و ترقی و امید ایران در آن فقره وارد آمد.

دولت و مجلس که در تمام این دوسال بعد از خلع محمد علی میرزا با اشکالاتی که بتحریرات خارجیان تولید میشد دست بگریبان و بخاموش کردن فتنه های عظیم در اکناف مملکت مشغول بود و باندستن وسائل از پول و قشون و قوت بازوی ییکانگان در دسایس و تحریکات به هزار جان کندن فتنه رحیم خان و شاهسون ها و داراب میرزا و سالارالدوله و محمد علی میرزا و ترکمن ها و رشید السلطان و امیر مکرّم و آخوند ملا قربانعلی و تیره را بر طسرف ساخته و پا از جا و اشکالات عقب نگذاشت از یکطرف نیز با کمال سرگرمی با اصلاحات اساسی پرداختند در جلب مستخدمین خارجی اقدام نمود. ابتدا بدولت



-۲۱۹-

فرانسه و ایتالیایی برای مستشاران مالی و داخله و قراسوران رجوع کرد و اس در دولت
بتحریرت روس و انگلیس امتناع از اجابت تقاضای ایران کردند.

دولت ایران بدولت یونگی دلیلی شخصی و سبب متوسل شده و از اول برای
مالیه و از دومی برای قراسورانی مستخدمین و صاحب منصبین آورد . لیکن حسین
شوستر رئیس هیئت مأمورین آمریکائی دست بااصلاحات چند مالیه خود دولت روس
را اضطراب عظیمی دست داد و بهر وسیله ممکنه از درس و اسباب تحصیل و کمال تحصیل
که در قوه او بود متوسل شد تا اصلاحات مالیه را تنقیم گذاشت و آن نقشه را برپا کرد
ولی چون استقامت مجلس و ملت تمام این درس آشکار و پنهان غلبه کرد و اس
اصلاحات مالی و نظامی بنا میگرفت دولت روس بدینا و اشاره انگلیس و سایر
آمده و با اتمام حجت سخت و کمیشکنی و اشکراشی بهطرف ملت ایران تمام آن
بناهای عالی امید یا کلمات معصوم را با آشیانه امید اویختی مجلس در چند روز برانداخت .
مجلس ملی دوم در میان مبررات داخلی و خارجی بسر برد و با آتش و شتاب
برانداخته شد .

این مجلس در تاریخ ایران یکی از پرزحمت ترین و هم باشرفترین مجلس های
یاد خواهد شد .

باهمه این زحمات که آن مجلس مبتلای آن بود باز در دوره تقنینیه خود بناهای
چندی نهاد که هنوز هم پایدار است و از آن جمله علاوه بر تأسیس قراسورانی و تنظیم
منظم و اصلاحات دیوان خانه ها و فرستادن عده شاگردان بیرون گستان به اروپا و
قوانین مدنی نیز وضع کرد که خلل ممالکت داری را در آن رشته ها سد نمود و ما این
فهرست مختصری از آن قوانین درج میکنیم ولی پیش از آن باین فقره نیز اشاره را لازم
میدانیم که مجلس دوم ترقی بالنسبه خیلی بزرگی در اصول و رسوم مجلس آرائی و ترتیب
مجلس نمود که تا اندازه ترقی انقلابی توانش گفت .

مثلا و کلا از روی زمین برخاسته روی صندلیها نشستند و وضع ناهاری مجلس
را کاملا بترتیب فرنگی درآوردند ، نظامنامه داخلی خود را از روی نظامنامه داخلی
مجلس ملی فرانسه ترتیب دادند و آنرا کاملا رعایت نمودند .



-۲۲۰-

ترتیب مشروطیت را نیز بقاعده حکومت مجلسی و ملی (پارلمان تاریزم) در آوردند. فرقه‌های سیاسی پیدا شد و اکثریت و اقلیت در اداره حکومت و نکته‌گیری باعمال دولت جد داشتند و در حقیقت این مجلس اولین مجلسی بود که بشکل مجالس ملی فرنگستان افتاد. قوانین عمده که در مدت اجلاس این مجلس وضع شد برحسب کتابچه که از طرف اداره خود مجلس بعدها نشر شد بقرار ذیل است: (در اینجا بیست و یک فقره قوانینی که در آن مجلس گذشته بود شرح میدهد)

این نیز مجلس دوم بود که با اولتیماتوم روس که باتحریرک و تلقین عمال انگلیس بایران داده شده بود خاتمه یافت یکدوره قنرت باردیگر بیش آمد و آن عده قلیل وطن دوستان با ایمان گرفتار انواع مصائب و محن گردیدند که قرارداد ۱۹۰۷ برای ملت ایران تهیه نموده بود.

در این گیرودار که ملیون ایران گرفتار بودند یک عده هم از مردان وطنخواه با ایمان در میان زجر و شکنجه های دولتین جان سپردند و از عده آنها بمراتب کاسته شد که جای آنها را بعدها کسی پیدا نشد پر کنند.

راجع بر قناری که دولتین روس و انگلیس در این تاریخ نموده اند یعنی بعد از قرارداد ۱۹۰۷ شرحی در روزنامه کله اشاره شده است (شماره های ۲۹ ر ۳۰) مینویسد :

«مجلس ملی دوم در سوم محرم ۱۳۳۰ مطابق ۱۹۱۲ میلادی منفصل شد و انعام حجت و قشون کشی های روس شوستر امریکائی و مجلس ملی را از میان برد. بعد از آن یک دوره قنرت شروع گردید که علائم آن یأس عمومی و ظلم های فاحش روس و سخت گیری با آزادی طلبان بود قتل عام تبریز و رشت. توپ بستن مشهد، تبعید آزادی طلبان طهران، تحصیل جبری روس و انگلیس امتیازات و تعهدات از دولت ایران و زجر کشی دولت ایران از طرف آن دو دولت با سخت گیری مالی قریب به سه سال مملکت را در حال ناامیدی نگاه داشت.

از اوایل سال ۱۳۳۲ یک حرکت جدی برای استرداد مشروطیت در کار بود و رؤسای ایل بختیاری در تهران هم جدوجهدی در این کار داشتند. در ماه رجب همان



-۲۲۱-

سال فرمان انتخابات ازطرف شاه صادر و انتخابات بتدریج شروع شد و بالاخره در ۱۶ محرم ۱۳۳۳ مجلس سوم افتتاح یافت .

«مجلس سوم بیش از یکسال عمر نکرد و همه آن مدت را نیز در حال اضطراب عصبانی و در میان و لوله بسربرد . اخبار موحشه مکرر از حرکت قشون روس از قزوین بطرف طهران و از مقاصد سوء روس و انگلیس نسبت بترتیب اداره مملکت و قصد بهم زدن مشروطیت و تبدیل هیئت وزراء یا تغییر عظیم وضع برافتادن هیئتهای مختلفه وزراء بمداخله یا دسیسه اجانب وسخت گیری مالی و غیره حواس جمعی برای مجلس نمیگذاشت . مخصوصاً واقعه دهم جمادی الاخره هنگامه عجیب بی مانندی از مداخلات علنی خارجه در امور مملکت که در آن موقع بظهور رسید تقالای فوق العاده ازطرف مجلس لازم داشت .

توضیح آنکه سفرای روس و انگلیس پس از اجبار میرزا حسن خان مشیرالدوله (پیرنیا) باستعفاء از ریاست وزراء بغتاً در تاریخ مزبور خود سرانند پیش شاه رفته تشکیل هیئت دولتی را بریاست میرزا جوادخان سعدالدوله خواستار شدند و در همان روز قراقرانه ایرانی در تهران وقوای مسلح ارامنه و تمام عناصر روسی و انگلیسی و بلژیکی و اتباع و طرفداران آنها برای حمایت وضع تازه و بهم زدن مجلس و مجبور کردن ایران بسیاست دوستی و اتحاد باخودشان صفا آرائی کرده بودند لکن تمام مشروطه طلبان و وطن دوستان وقوای نظمیه و قراسوران و مجلس ملی با تمام قوای خود کوشید و این اقدام را عقیم کردند. سفیر عثمانی و کفیل سفارت آلمان نیز در نصف شب بحضور پادشاهی رفته ناسخ حکم تعیین سعدالدوله را تقاضا کردند و کامیاب هم شدند و در یازدهم جمادی الاخره سلطان عبدالعزیز میرزا عین الدوله بریاست هیئت وزراء نامزد شد و بحران خطرناک گذشت . « (۱)

مجلس سوم چنانکه قبلاً اشاره شد بیش از یکسال طول نکشید با مهاجرت عمر قانونگذاری آن پایان رسید قسمت عمده و کلاکه از وطن دوستان حقیقی بودند یعنی همان عده قلیلی که مکرر بدان اشاره شده است از طهران مهاجرت کردند که خود يك



-۲۲۲-

داستان جداگانه است .

با این مقدمه آن عدد محدودی که طرفدار مشروطیت شده در زیر پرچم آن گرد آمدند ، و در هر سه دوره مجلس حضور داشتند بمرور زمان از عده آنها کاسته میشد از دست مرگ طبیعی یا غیر طبیعی خلاصی نداشتند طوریکه در مجلس چهارم عده آنها بسی اندک بود دیگر نمیتوانستند اعمال نفوذ کنند بعلاوه اوضاع جهان نیز تغییر کرده بود یکی از بازیگران اصلی این تراژدی از بین رفته جای آنرا يك دولت انقلابی بد حیطة تصرف درآورده بود درست نقطه مقابل آن بود و هرچه دولت تزاری در مدت یکصدسال وانندی بظلم بد جبر و تعدی ازدولت ایران گرفته بود غیر از شهرها و اراضی قفقاز همه را بایران پس داد و حاضر شد با عدل و انصاف باو فوق ومدارا باملت ایران رفتار کند و بموجب نامد روسی کمیسر امور خارجه دولت شوروی تمام آن وسائل دخیلها از بین رفت. (۱)

در مجلس چهارم آن روح وایمان وجدیت وفداکاری دیگر دروکلای آن وجود نداشت اگرچند نفری هم بودند آنها را خفد کردند و کارهای سه دوره مجلس گذشته را تا توانستند خنثی کردند حتی قانون اساسی آنرا هم که تغییر ناپذیر نام داده بودند دست برداشت و مواد اصلی آنرا زیر و زو کردند که مورد بحث آن در اینجا نیست ، بعد همان حال ارتجاع که مجلس اول و دوم و سوم با آنها مبارزه میکرد همانها بمساعدت خارجی گریسهای مجلسرا اشغال نمودند.

طرف همان نتیجه را که از آوردن مشروطیت بایران حتی در مملکت عثمانی میخواست بدست آورد : از بین بردن حکومت مرکزی - بروز هرج و مرج در تمام نواحی کشور ایران - جازدن دست آموزان خود بعوض وکلای حقیقی ملت - ایجاد ناامنی در تمام طرق وشوارع خلاصه برانداختن سلسله قاجاریه که برای از بین بردن آن یکصد سال تلاش میکردند ، توسط سود پرستان و هرج و مرج طلبان باسم وکلای ملت که اصول مشروطیت آنها را بصفا اول رسانیده بود ریشه یکصد و پنجاه ساله دودمان

(۱) ۱۳ ربیع الثانی ۱۳۳۶ مطابق اوایل سال ۱۹۱۸ ترو تسکی کمیسر خارجه روس
ابطال عهدنامه ۱۹۰۷ را بدولت ایران اطلاع داد . ایضا «کوه»



—۲۲۳—

فاجاریه را که نهال آن بدست میرزا ابراهیم خان کلانتر شیرازی اعتماد الدوله نشانده شده بودند و دورانداختند. «فاعتبرو ایها اولی الالباب».

آوردن مشروطه بایران مقدمه ضعف و زوال ایران بود با ایجاد مشروطه هرج و مرج در ایران رواج یافت ملت سرگرم مشروطه شد عده ساده لوح و وطنخواه با يك شوق و ذوق مشروطه را استقبال کردند شاید آن که این نام را سرزبانها انداخته بودند آنها را بیشتر حریص و تشویق کردند تا کار اغتشاس و ناامنی بعلمت از بین رفتن نفوذ دولت مرکزی بالا گرفت که نه مجلس و نه دولتهای خلق الساعه هیچ يك قادر نبودند دوباره امنیت را برقرار کنند .

ملت ایران گرفتار این مصائب و محن بود که ناگاه در ۲۲ رجب ۱۳۲۵ هجری قمری مطابق ۳۱ اوت ۱۹۰۷ معاهده دولتین که بعد ها بقرار داد ۱۹۰۷ معروف گشت با اطلاع مردم رسید .

این قرارداد زمینه را برای دخالت علنی روس و انگلیس مجاز نمود از این تاریخ به بعد است که عمال دودولت مقتدراروپائی در ایران از هیچ نوع ظلم و ستم و تعدی و تجاوز کوتاهی نمیکنند .

پیداست طرفداری دولت انگلیس و مساعدت آن با رواج مشروطه در ایران فقط تا آنجا بود که قرارداد ۱۹۰۷ بامضا برسد و روسها کاملاً در تحت نفوذ انگلیس قرار گیرند از این بیعد دولت انگلیس تغییرمشی داد دیگر طرفداری از مشروطه ایران نمیکرد بلکه گاهی هم مخالفت خود را نشان میداد .^(۱)

مارلینک شارژ دافر (کاردار) سفارت انگلیس در تهران با هارت و یک وزیر مختار روس متحد شده ملت ایران را تهدید کردند .

در دوم جمادی الاول ۱۳۲۶ مطابق ششم ماه جون ۱۹۰۸ نمایندگان رسمی هر دودولت در تهران مجلس و ملیون را سخت تهدید نمودند که اگر مقاومت آنها در مقابل میل

(۱) در فصل نود و پنجم خواهید خواند چگونه در همین ایام مأمورین سیاسی انگلیس علناً از مشروطیت ایران بدگویی میکردند . کتاب سرآرنولد ویلسن موسوم به « هفت سال در جنوب غربی ایران » .



- ۲۲۴ -

محمد علیشاه خاتمه پیدا نکند ایشان (یعنی نمایندگانی رسمی روس و انگلیس در ایران) اقدامات سخت خواهند نمود در صورتیکه هنوز مرکب نامه سراسپرینک رایس بوزارت امور خارجه ایران خشک نشده بود که دولتمن در آن نامه وعده داده بودند که در امور داخلی ایران دخالت نخواهند نمود .

شاید در تاریخ ایران پادشاهی پیدی و نادرستی محمد علیشاه پیدا نکنید، فساد حاکم و برکسی پوشیده نبود ولی در این ایام نمایندگان دولتمن پس از چند صباچی که از معضی قرارداد ۱۹۰۷ گذشت مجلس و سران ملیون ایران را تهدید میکردند که در مقابل یک چنین پادشاهی تسلیم شوند .

نمیپندید آن دولتمن که این تهدید را علنی میکرد کلمه مشروطه و ظهور آنرا در ایران خود بکار بسته بود معلوم است این مشروطه تا آنجا مورد نظر بود که قرارداد با روسها عملی گردد .

نیرفداری نمایندگانی روس و انگلیس در تهران از محمد علیشاه، با وجرات دادن، را در برابر عیبه ملت ایران برانگیختن ، و توقیف ناصر الملک رئیس الوزراء در دربار و قضیه میدان توپخانه ، بالاخره کودتای ۲۲ جمادی الاول ۱۳۲۶ مطابق ۲۳ جون ۱۹۰۸ اند مجلس را بادست قزاقها بفرماندهی لیاخوف روسی ویران نمود وعده از آزادی طلبان را بقتل رسانید و جمعی را حبس و زنجیر کرد و بمشروطیت و آزادی که مروج آن دولت انگلیس در ایران بود خاتمه داد .

اما هر فکر تازه ای که در میان ملت پیداشد بالطبع یک عده طرفدار و یک عده مخالف پیدا میکنند .

ظهور مشروطیت نیز در ایران چنین بوده ، طرفداران از جان گذشته و مخالفین سرسخت پیدا کرد دشمنان سرسخت مشروطه در ایران دور محمد علی میرزا را گرفتند و بساط مشروطه را برهم زدند ولی کار در اینجا خاتمه نیافت پس از گلوله باران کردن مجالس و غارت آن، اهالی آذربایجان که نسبتاً ساده و با ایمان بودند در طرفداری مشروطه باقی ماندند و نگذاشتند این فکر از بین برود قریب یکسال در مقابل قشون دولتی که از طرف روسها جداً تقویت میشد پایداری نمودند این مجاهدت سکنه تبریز بسایر



... ۲۲۵

شهرها هم تأثیر کرد در آن جاها نیز سرودهای مشروطه خواهان شنیده میشد. نقشه انگلیسها برای زوال سلسله قاجار که تقریباً یکقرن بود تحت حمایت روسها قرار گرفته بودند این بود میبایست بدست خود روسها ازین برود بهزجیت روسها بتحریک خود انگلیسها بوسیله تشویق و قیام ملیون ایران علیمد محمد علیخان فراهم آمد حاجی علیقلی خان بختیاری از جنوب ، محمد ولیخان تنکابن از شمال برای خلع محمدعلیشاه بدارودسته خودشان بحرکت آمدن .

آزادیخواهان مقتون بدکلمه و به اصول مشروطه با حضرات همدا شده بههران حمله ور شدند روسها بطرفداری از محمد ولیخان انگلیسها بهواداری حاجی علیقلیخان بایتخت را گرفتند محمدعلیشاه را خلع کردند و سلطان احمد شاه فرزند او بجایش برقرار گردید (۲۷ جمادی الاخر ۱۳۲۷ هجری قمری مطابق ۱۶ جولای ۱۹۰۹) چون احمد شاه بعد رشد نرسیده بود عضدالملک (علیرضا خان قاجار) بدنیابت سلطنت انتخاب گشت مجلس دوم در اوایل ذیقعده ۱۳۲۷ مطابق نیمه دئومبر ۱۹۰۹ افتتاح شد. حال دیگر نفوذ دربار ایران در تمام قلمرو مملکت بسیار محدود شده بود . ناصرالدینشاه را کشتند برای اینکه مظفرالدینشاه عنیل و پیر فرسوده بجایش نشیند . محمد علیشاه را برداشتند تا یک طفل فارس تیج و تخت ایران را تصاحب کند عضدالملک را بنیابت سلطنت برگزیدند که هیچ کاری ازطرف دربار انجام نگیرد برای همین بود انگلیسها مدت یکقرن ضعف و زوال سلسله قاجار میکوشیدند بالاخره بمقصود رسیدند .

بدبخت ملتی که حکومت ضعیف دارد ، برای یث مملکتی بالائی بزرگتر از این نمیتوان تصور کرد .

در همین اوقات است بیگانگان ذینفع نامنی را بهاندنموده بایران قشون وارد کردند و بدزدان و غارتگران پناه دادند ، ازجانیها و آدم کشان حمایت نمودند .

مجلس دوم از بهترین عنصر ایرانی تشکیل شده بود مردان نامی و وطن خواه ، با ایمان وفادار در آن مجلس وجود داشت هرگاه عمال فتنه انگیز روس و انگلیس نبود مجلس را آزاد گذاشته بودند دست به اصلاحات حسبی زده بودند و ایران بجاده ترقی افتاده بود .



-۲۲۶-

اما اعمال جابر و متعددی دولتمن مانع عملیات آنها بودند در هر قدمی که میخواستند بسود ملت ایران بردارند موانع بیشماری در سر راه آنها ایجاد میکردند . روزنامه کاوه در شماره ۲۶ خود چه خوب شرح داده مینویسد : « خود دولت انگلیس نه تنها بقدر حکومت تزاری روس در شرق مستبد و ظالم است بلکه تمام مکاری و غداری لجاجت و فریب دیرینه انگلیسرا نیز با ظلم روسی در خود جمع کرده و بقول عامه يك شكم توی دل خود دارد و يك تنه دوبرده حلاج است . داستان تعدیات و ظلم انگلیس در ایران و خصوصاً تجاوزات واضح آن دولت و رخنه های صریح وارد آوردن بر بی طرفی ایران هفتاد من کاغذ میخواهد . »

جریان امر و قضایای سیاسی این ایام یعنی پس از قرارداد منجوس ۱۹۰۷ نشان میدهند که روسها تا حدی سپر سیاسیون انگلیس در ایران بودند . روسهای تزاری یا رجال آن فهم و شعور سیاسی را بقدر انگلیسها نداشتند و نمیتوانستند مقصود انگلیسها را در جهان سیاست مخصوصاً در ایران تمیز بدهند . غالباً بتحریک انگلیسها باعث عملیاتی میشدند که نتیجه آن مستقیماً عاید انگلستان میشد .

اصلاحات مالی مستشاران امریکائی داشت احتیاجات مالی ایران را رفع مینمود دستگاه مالیه ایران را منظم میکرد این عمل بضرر منافع انگلیس بود حاضر نبود این اصلاحات مالی را در ایران مشاهده کند محرك روسها میشد از اقدامات شوستر جلوگیری کنند این خود يك وسیله ای بود که دشمنی بسیار تلخی بین ایران و روس ایجاد کند از طرف دیگر خود اسباب نگرانی اولیاء امور را فراهم مینمود و اولتیماتوم میداد که راههای جنوب امنیت ندارد ...

از یکطرف منابع عایدات ایران را از دست دولت ایران گرفته بودند و مانع از آن بودند پولی بمرکز برسد حوائج روزانه را رفع کند، از طرف دیگر برای قرض دادن بایران انواع و اقسام شرایط سخت پیشنهاد میکردند در هیچ وقت دولت ایران را راحت نمیکذاشتند نقشه های اصلاحی را تعقیب کند عمال دولتمن روس و انگلیس بیوسته و دایم اسباب زحمت و درد سر برای دولت و مجلس فراهم میآوردند . در اینجا بیک رشته عملیات انگلیسها اشاره میشود .

با اینکه در نامه نماینده رسمی دولت انگلیس در پایتخت ایران بنام سرسیسیل-



—۲۲۷—

اسپرینک رایس در روزهای اول انعقاد قرارداد ۱۹۰۷ صریحاً اظهار کرده بود : « که هیچیک از دولتمین متعهد تین به هیچ وجه چیزی از ایران نمیخواهند بنابراین ایران میتواند قوای خود را صرف انتظام امور داخلی خود کند ... »

باین تعهد واضح و روشن و صریح دولت انگلیس یادداشتی در تاریخ ۱۱ شوال ۱۳۲۸ هجری قمری مطابق با ۱۶ اکتبر ۱۹۱۰ میلادی بدولت ایران داد این یادداشت حکم يك اولتیماتوم راداشت مضمون آن این بود که « اگر برقراری نظم و امنیت در راه های تجارتی جنوب ایران بطور دلخواه دولت انگلیس در ظرف سه ماه انجام نپذیرد دولت انگلیس این مسئله را خود بنفسه بواسطه يك قشون ۱۰۰۰ الی ۱۲۰۰ نفری در تحت فرماندهی صاحب منصبان هندی و انگلیس در دست خود خواهد گرفت و مخارج این قشون از اضافه صدی ده برگمرکات واردات بنادر جنوب ایران بعلاوه مالیات ایالت فارس پرداخته خواهد شد بعبارت واضح تر انگلیس فقط برای رواج تجارت خود در ایران میخواست که دولت مستقل ایران از عایدات خود يك قشون پلیس حاضر کرده آنها را مسلح سازد و از همه حیث از آنها نگاهداری کند . »

(این مقدمه تهیه پلیس جنوب بود) در این تاریخ حسینقلی خان نواب وزیر امور خارجه ایران بود، جواب منطقی و مدال باین التیماتوم دولت انگلیس داد « بزبان سیاسی و در زیر پرده اصطلاحات دیپلماسی تمام تقصیرات را يك بيك بگردن انگلیس و روس انداخت و این ادعای انگلیس را که او بمیل خود میتواند گمرکات واردات مملکتی مستقل مثل ایران را صدی ده بالا ببرد بکلی رد میکند. و این اقدام را فقط حق طلق دولت ایران میدانند و در مقابل شکایات انگلیس در خصوص خسارت های تجارتی که با و وارد آمده ثابت میکنند که با وجود ناامنی عمومی نه آنکه فقط در واردات مال التجاره در ایران اختلال و نقصانی راه نیافته بلکه در سال گذشته واردات مال التجاره در ایران صدی ده هم نسبت بواردات سالهای گذشته ترقی حاصل شده است . »

دولت انگلیس هیچوقت انتظار نداشت يك چنین جواب منطقی بادلیل و برهان از يك دولت آسیائی باو داده شود اگر چه این جواب برای دولت انگلیس خیلی ناگوار



-۲۲۸-

بود ولی ناچار شده در این مورد سکوت اختیار کنند ولی تلافی را از جای دیگر در آورد و روسها را آنقدر تحریک نمود و با حسینقلی خان نواب کوچ تابی کردند تا ناچار شده از کار کناره کند .

برای مرعوب نمودن وطن خواهان ایران بعد از این دیگر دست برور و آدمکشی میگذارند ، اتباع روس معتمد خاقان را در اصفهان ترور کردند و چند روز بعد صنایع الدوله (مرتضی قلی هدایت) را در مقابل منزل خود دونفر گرجی تبعه روس مقتول نمودند جانیها را سفارت روس پند داد و معلوم نگردید با آنها چه معامله کردند .

یکی از نویسندگان های مطلع معاصر راجع باین ایام چنین مینویسد: «ناامنی و اغتشاش در ایران بواسطه سوء قصد های پی در پی و حمایت روسیه از مرتکبین که دلیل بر این بود که روسها این اعمال را تصویب میکنند، روز بروز شدیدتر میشد تمام زحمات دولت ایران را برای برقرار کردن نظم و امنیت که انگلیسها بزور تهدید آنرا تقاضا میکردند خنثی میگذاشت .

این اغتشاش عمومی موقع مراجعت شاه مخلوع بدرجه اعلی رسید. شاه مخلوع که از ايسران تبعید شده بود و در اسرا میزیست ظاهراً با اسم عوضی و لباس مبدل با اسلحه و ذخیره که با اسم آب معدنی با خود حمل کرده بود بسواحل ایران وارد شد (۲۱ رجب ۱۳۲۹) و متفقاً با برادر خود سالار الدوله که در طرف غربی ایران اغتشاش میکرد يك جنگ مختصری با قشون ایران کرده شکست خورد .

بعد از چندین مرتبه جنگ که در همه آنها بر شاه مخلوع شکست وارد آمد بالاخره در ۱۳ رمضان ۱۳۲۹ مطابق ۲ سپتامبر ۱۹۱۱ دوباره از ایران فرار کرده بایک کشتی روسی از بحر حزر عبور نموده بروسیه مراجعت نمود .

بانك روس و انگلیس موافقت نموده بودند هرگاه شاه مخلوع قصد ایران کند مقرری او قطع خواهد شد با اینحال بافضاحت تمام مقرری او را از دولت ایران گرفته برای او فرستادند این تعدی و ستم از طرف هر دو دولت نسبت بملت و دولت ایران وارد آمد .



-۲۲۹-

نویسنده مطلع راجع باین موضوع مینویسد: «در ماههای ربیع الاول و ربیع الثانی ۱۳۳۰ دولتین روس و انگلیس دولت ایرانرا مجبور کردند که مجدداً بشاه که اتباع او ترکمنها و قفقازیها (بیشتر اتباع روس) در ایالت مازندران قتل و غارت کرده و بسیاری از مستملکات اهالی را بیاد فنا دادند يك مقرری سالیانه به مقدار هفتادو پنج هزار تومان بدهد . بالاتر از این روس و انگلیس باکمال وقاحت از دولت ایران تقاضا کردند که نه فقط براهزنان ایرانی و روسی اطمینان و امنیت داده بلکه در مقابل اغتشاشی هم که آنها کرده اند هفتاد هزار تومان پول بپردازد و این جریمه از يك قرض تازه ای از روس و انگلیس پرداخته شد که دولت ایران برای آن صدی ۸ تنزیل بایستی بدهد .»

پس از این گرفتاریها که برای ایران از طرف عمال دولتین انگلیس و روس تهیه میشد موضوع شوستر مستشار مالی آمریکائی پیش آمد .

ایرانیان و وطن دوستان حقیقی امیدواریهای زیاد باین شخص داشتند قانون ۲۳ جوزای ۱۳۲۹ نشان میدهد مجلس و دولت ایران تا چه اندازه باین مرد جدی و باوفا ایمان و اطمینان داشتند که تمام اختیارات مالی را در دست این مستشار آمریکائی قراردادند الحق او هم با منتهیای جدیت و صمیمت خدمت خود را انجام میداد ملت ایران امیدوار بود بزودی دستگاه پراکنده مالی آن جمع آوری شده عایدات و مخارج مملکتی سرو صورت خواهد گرفت .

فتنه مجدد محمد علی شاه مخلوع در زمان خزانه داری شوستر برخاست این مرد بایک جدیت تام و تمامی در رفع این غائله کوشید تا خاتمه پذیرفت .

باز همان شخص مطلع در این مورد مینویسد: شوستر ترتیب مالی قشونی را که بیجنگ شاه مخلوع و برادرش فرستادند منظم کرد و يك مقدار اسلحه و ذخیره ای که تازه وارد شده بود ضبط نمود و بین قشون مذکور تقسیم کرد و فقط بواسطه اقدامات سریع و جدی شوستر بود که آتش فتنه که شاه مخلوع با اتباع ترکمن و قفقازی خود در ایران بر پا کرده بود زود خاموش شد .»

« اعتماد ایران جوان به شوستری اندازه بود و امیدی هم که وطن خواهان ایران



۲۳۰-

بشکل سیراین ستاره بسته بودند بیحد بود ولی بدبختانه زودگذر بود .
سفیر انگلیس سر جرج بازکلی در دهم رجب ۱۳۲۹ به سرادوردگری مینویسد:
مستر شوستر حال فقط دوماه است که در تهران است و در این مدت قلیل نفوذ او یکی از
عوامل مهم اوضاع عمومی شده است .
خیال اساسی شوستر با آن اختیارات تامه‌ای که باو داده شده بود آن بود که از
خود ایران هر آنچه برای ترقی آن مملکت لازم است استخراج نماید و این یک مسئله
بود که تا بحال در آن اهمال ورزیده شده بود .

یکی از مسائل اساسی مهم تقسیم متساوی مالیات و گرفتن منظم آن بود . از برای
تنظیم این امر شوستر یک قراسورانی مالید تشکیل داد و در نواحی مملکت پراکنده کرد
برای اینکه بدون ملاحظه از کسی، لکن از روی حق بقانون مالیات را گرفته و در صورت
لزوم با قوه جبریه این امر را انجام دهند .

بسیاری از رجال بزرگ متمدن ایران مانند عملاء الدوله (احمد) و سپهدار
(محمد ولی) و فرمانفرما (عبدالحسین) و غیرهم مبلغ زیادی مالیات عقب افتاده داشتند
و تا آن زمان از پرداختن آن ابا کرده بودند .

باید آن قضیه مضحک را در کتاب خود شوستر خواند که چگونه شاهزاده فرمانفرما
که دارای چندین میلیون تمول است و یکی از دوستان صمیمی روس است گریه
کنان از مجلس شورای دولتی استدعا میکند که او را در مقابل خدماتی که برای
مملکت کرده است از پرداختن مالیات عقب افتاده که خزانه دار کل از او می‌خواهد معفو
دارند .

لکن شوستر محکم ایستادگی کرد و عقب نرفت و باین شکل از چندین سال
باینطرف دفعه اول بود که نمایندگان سیاسی ایران در خارجه از خزانة که در وقت
ورود شوستر بسکلی نپس بود و حالا کم کم پر میشد منظمأً مواجب خود را دریافت
کردند .

اشکالات و موانعی که جلو این اقدامات شوستر موجود بود هر کسی را اگر اندک
ضعفی در طبیعت داشت بزودی مأیوس میساخت .



-۲۳۱-

روسیه از اغتشاشی که شاه مخلوع با اتباع خود و سالارالدوله در بعضی ایالات ایران پر پا کرده بودند تا اندازه که ممکن بود فایده برد و در این موقع چندین بار عهد شکنی و نقض قول نمود و انگلیس هم با آن سیاست تأویل بردار خون‌پرداری از این عهد شکنی‌ها کرد طرف شمال ایران مخصوصاً تمریز و طرف جنوب آن مخصوصاً ایالت فارس و سواحل خلیج میدان تاخت و تاز خوبی برای روس و انگلیس گشت و این دو دولت در آن صفحات اقداماتی کردند که باستقلال دولت ایران اهانت وارد می‌آورد .

انگلیس ... از این حالت بحرانی ایران که بواسطه اوضاع نظامی پیدا کرده بود استفاده کرد باین شکل که جنگ رقابتی مابین رؤسای ایالات جنوب را که از قدیم‌الابام وجود داشت برای فایده خودش بکار برد .

ابتدا بر قشون کنسولخانه انگلیس در جنوب افزودند در غره ذیقعد ۱۳۲۹ دولت انگلیس بدولت ایران اطلاع داد که چهار صد نفر سپاهی هندی برای حفظ منافع انگلیس حرکت کردند خواهش‌های متوالی دولت ایران از انگلیس که بگذارد خود دولت ایران نظم و امنیت را در مملکت خود برقرار کند و انگلیس در اقدامات قراسوران در تحت ریاست سوئدی‌ها پیشدستی نکند ، پشت گوش انداخته شده و رعایت نشد این اقدامات دولت انگلیس وسیله شد برای روسیه که او هم بنویت خود بر قزاقهای کنسولخانه روس در اصفهان و رشت افزود و عده آنها را به سیمد و پنجاه نفر رسانید .^(۱)

دولتین روس و انگلیس از اقدامات مستمرمرگان شوستر امریکائی فوق‌العاده نگران بودند .

بر عمال این دو دولت روشن بود که اگر اقدامات شوستر چند صباحی هم ادامه پیدا کند ملت ایران سعادتمند خواهد گشت یگانه اصلاح مملکت سر و صورت گرفتن

(۱) سرآرنولد ویلسن در همین ایام در سواهی جنوبی ایران بود خود محرک اصلی ورود قشون انگلیس بایران بوده همینکه دید روسها از این اقدام انگلیس تقلید کرده آنها هم قشون قزاق روس را وارد ایران کردند توبه میکنند کاش ما چنین اقدامی نکرده بودیم . شرح آن در فصل ۹۵ بیاید .



-۲۳۲-

مالیه مملکت بود پس از این اصلاح اصلاحات بعدی سهل و آسان بود لذا از هیچ نوع اشکال تراشی و ایجاد موانع کوتاهی نمیکردند .
مطالعه تاریخ این ایام حقیقتاً برای هر ایرانی يك تازیانه عبرت فراموش نشدنی است .

بالاخره تصمیم دولتم روس و انگلیس این شد باید شوستر از ایران برود و اخراج او هم از ایران تلقین دولت انگلیس بود، سرودی یاد روسها دادند و آنها را حاضر کردند اولتیماتوم کذائی ۲۹ نوامبر ۱۸۱۱ مطابق ۷ ذیحجه ۱۳۲۹ هجری قمری بایران بدهند .

البته دادن این التیماتوم يك مقدمه طولانی دارد من از شرح آن صرف نظر میکنم همین قدر اشاره میکنم این التیماتوم برای اخراج شوستر تحت سه ماده بدولت ایران تسلیم گردید که در مدت ۴۸ ساعت دولت ایران جواب بدهد .
اول - اخراج شوستر .

دوم - تعهد دولت ایران باینکه در آتیّه بدون تصویب دولتم روس و انگلیس يك نفر غیر ایرانی را بخدمت ایران قبول نکند .

سوم - پرداختن يك وجه خسارتی برای فرستادن قشون روس بایران .
البته مقصود عمده از این التیماتوم اخراج شوستر بود، خود شوستر در کتاب خود چنین شرح میدهد : « چندی بظهر مانده مجلس رأی علنی گرفت اسم هروکیلی را که میخواندند آن وکیل از جای خود برخاسته و رأی خود را میگفت. رأی مخفی در این خصوص گرفته نشد.

بعد از اتمام خواندن اسامی و کلا نتیجه آن شد که هریک از ایشان مهره مقدرات خود را با دست خود انداخته و بدون اینکه فکر آینده خود و خانواده خود را بکند رأی خود را اظهار کرده بود .

همه وکلا متحداً بخرس بزرگ شمالی آن جوابی را دادند که ممکن بود يك ملت مأیوس بامال شده در چنین موقعی بدهد ، همه و کلایمودن يك راه مشکوک خطر ناکی را برای آینده ترجیح دادند بر آنکه شرف و حیثیت ملی خود و حقوقی را



-۲۳۳-

که تازه بدست آورده بودند باختیار خود تسلیم دشمن نمایند همه و کلاتقاهای روس را رد کردند. (۱)

هرگاه بخواهم وقایع این ایام را بنویسم باید خود را حاضر کنم يك روزه حسابی در اینجا برای خوانندگان بنویسم تصور نمیکنم نظیر این حرکات وحشیانه روسها را کسی در تاریخ سراغ داشته باشد.

پیش خود تصور کنید يك دولت یکصد و شصت میلیونی سر تا پا مسلح با انواع سلاحهای امروزی، بر يك ملت ۱۵ میلیونی، که سیاست ظالمانه یکصد و اندی سال همسایه های شمال و جنوب آن این ملت را باعلی درجه خسته و فرسوده و ضعیف نموده باشند، این دولت مقتدر بصوابدید يك دولت محیل دیگر با اسم دولت انگلیس که جهانی را با آتش بیداد خود سوخته است، بر چنین ملت ضعیف مانند ملت ایران وحشیانه و ظالمانه حمله کنند، تعدی و تجاوز نمایند حال آن ملت چه خواهد شد؟

در روز عاشورا در تبریز و رشت چوبهای دار برپا شد این چوبهای دار با بیرقهای دولت وحشی روس آنروز آراسته شده بود زعمای ملت را از مذهبی و غیر مذهبی بر سر دار کردند.

« قشون روس در این شهرها عده ای از رجال ایران را تیرباران کردند بدار زدند شکنجه نمودند قطعه قطعه کردند جلوتوپ بستند و زنان و اطفال را به بدترین وضعی کشتند ».

یکی از مطلعین مینویسد: « این وحشی گریها و ظلمهای بی در پی اهالی شمال را خوفناک و ترسو کرد و در این گیرودار قضیه شوستر در تهران کم کم فراموش شد. مجلس را جبراً تعطیل کردند و مجامع علنی و بسیاری از روزنامهجات را غدن نمودند و در اواخر محرم ۱۳۳۰ مطابق اواخر دسامبر ۱۹۱۱ شوستر اخراج شد و التیماتوم روس را قبول کردند در اینجا بهترین زمانی برای ایران که پایه همه نوع امیدی بود بختام رسید ».



-۲۳۴-

شوستر در خاتمه یکی از فصول کتابی که در سرگذشت خود نوشته خطاب بروس و انگلیس کرده و با الفاظ سخت و تلخی فقره ذیل را مینگارد : « فهمیدن دلایل انحطاط ایران چشم تمام مردمان حتی چشم آن کسانی را هم که هیچ وقت گمان بد نمیبرند باز میکند .

واضح است که ایران بیچاره فدای بازی چند دولت اروپائی گشت که از صدها سال باینطرف در زجر دادن و فنا کردن مالی کوچک و ضعیف ، عملیات و تجربه داشتند و برای رسیدن بمقصد خود از هیچ وسیله مضایقه ننمودند . نه از خونریزی پروائی داشتند و نه از برباد دادن شرف و افتخار و ترقی يك نژاد بالتمام .

در این تاریخ میرزا ابوالقاسم خان قره‌گوزلو ناصرالملک نایب السلطنه بود . کسی که در انگلستان درس سیاست را آموخته و در همان مکتب که لردکرزن معروف درس تزویر و نیرنگ خوانده بود این نیز از همان مکتب تصدیق داشت کسانی که در آن ایام و آن روزها با این شخص سروکار داشتند میدانند چه سلیقه مخصوصی داشت بخصوص از آن کسانی بود که در همان اوقات صحبت از ساختن راه آهن در ایران مینمود منتهی جسارت و جرأت دیگران را نداشت که باین نغمه دست بزند .

در هر حال نایب السلطنه یعنی ناصرالملک مجلس را قهراً تعطیل نمود و يك عده از وکلا و آزادیخواهان را بقم تبعید کرد همان عملی را که يك نایب السلطنه هندوستان میتوانست انجام دهد این نایب السلطنه بموقع اجرا گذاشت .

پس از تعطیل مجلس و تبعید وکلا و توقیف جراید دست باصلاحات گذاشت در ادارات دولتی و در هر گوشه و کنار مرد وطن خواه و ایران دوست بود آنها را خارج کرد و تمام خواهش های دولتمن را انجام داد و تمام این اعمال را برای خاطر دوستان دیرینه خود بجا آورد .